

پیتر سینگر: فلسفه نباید از نظر اخلاقی بی طرف باشد

الکس دین

فلسفه و اخلاق چه ارتباطی با زندگی ما در دنیای معاصر دارند؟ «ایثار مؤثر» چیست و چرا همه‌ی ما باید از آن حمایت کنیم؟ پیتر سینگر، فیلسوف سرشناس استرالیایی، در این گفت‌وگو به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

«آهنگ‌سازی سوئدی پرسید که آیا می‌تواند بخشی از مقاله‌ام را به عنوان اشعار موسیقی گُرال استفاده کند. گفتم: "البته، حتماً" و او این موسیقی را ساخت و اکنون آنلاین است. فکر می‌کنم در **یوتیوب** می‌توانید به آن گوش کنید!»

پیتر سینگر – که قطعاً مشهورترین فیلسوف زنده به شمار می‌رود – تا این اندازه تأثیرگذار بوده است. در این گفت‌وگوی اختصاصی، این اندیشمند استرالیایی، که اکنون ۶۹ سال دارد، به دفاع از «ایثار مؤثر» (جنبشی که او عمده‌ترین هوادار آن است) می‌پردازد.

سینگر شخصیتی مناقشه‌برانگیز است؛ در واقع، او پیشتر در نشریه‌ی **پراسپکت** استدلال کرده بود که انسان‌ها باید از حقوق برخوردار باشند. در این گفت‌وگو، او دیدگاه‌های خود را درباره‌ی «نظام مهاجرتی مبتنی بر امتیاز به سبک استرالیا» مطرح کرد، نظامی که هواداران برگزیت در آستانه‌ی همه‌پرسی عضویت بریتانیا در اتحادیه‌ی اروپا از آن حمایت می‌کردند. «فکر می‌کنم ... نظام مبتنی بر امتیاز در استرالیا می‌تواند به خوبی کار کند. مشخص است که یکی از مسائل این است که "برای چه چیزهایی چه امتیازهایی باید تخصیص داد؟" ... بنا بر نحوه‌ی تخصیص امتیازها، نظامی مبتنی بر امتیاز می‌تواند منصفانه یا غیرمنصفانه باشد.»

ایده‌ی «ایثار مؤثر» با کتاب **سینگر قحطی، فراوانی، و اخلاق** (۱۹۷۴) – که اخیراً تجدید چاپ شده است – مطرح شد. سینگر توضیح می‌دهد که این ایده «هم فلسفه است و هم جنبشی اجتماعی که می‌خواهد در راه بهتر ساختن جهان تا آنجا که ممکن است مؤثر باشد ... از شواهد و استدلال بهره می‌گیرد تا بهترین راه را برای انجام این کار بیابد.»

سینگر آزمایش فکری معروف خود، «شلوار گلی»، را بازگو کرد: «شما در حال عبور از پارکی هستید و کودک کوچکی را می‌بینید که داخل برکه‌ای افتاده است. می‌دانید که نجات دادن آن کودک برای شما خطری ندارد، اما این کار هزینه‌ای دارد: لباس‌هایی که به خاطر مناسبتی خاص به تن دارید، کثیف خواهد شد. اکثر کسانی که این مثال را می‌شنوند با خود می‌گویند ... مشخص است که کار درست نجات دادن آن کودک است.»

سینگر در ادامه می‌گوید «اما اگر باید کودکی را که در حال غرق شدن است نجات دهیم، چرا نباید به فکر نجات کسانی باشیم که به خاطر مالاریا یا آب آشامیدنی ناسالم، یا هر شرایط ناشی از فقری که به راحتی قابل پیش‌گیری است، در خطر مرگ قرار دارند؟»

سینگر در مقدمه‌ی جدید خود بر **قحطی، فراوانی، و اخلاق استدلال** می‌کند که «ایثار مؤثر» شیوه‌ی نوینی از فلسفه‌ورزی بود، که بر مشکلات اخلاقی جهان واقعی تمرکز داشت. «زمانی که در دهه‌ی ۶۰، دانشجوی کارشناسی بودم، فلسفه‌ی دنیای انگلیسی‌زبان بیشتر با تحلیل معانی اصطلاحات اخلاقی سر و کار داشت ... تصور می‌شد کار فلاسفه تشریح معانی مفاهیم است.

«آلفرد جی. ایر [نویسنده‌ی زبان، حقیقت، و منطق (۱۹۳۶)] که از هواداران **پوزیتیویسم منطقی** بود [احتمالاً مثال بارز فیلسوفی است که استدلال می‌کرد شایسته است فلسفه از نظر اخلاقی بی‌طرف باشد ... اما خوش‌بختانه زمانی که وارد آکسفورد شدم (جایی که سنگر مستحکمی برای این نوع فلسفه‌ی زبانی بود) تغییرات آغاز شده بود.

«در سال ۱۹۶۹ وارد آکسفورد شدم، زمانی که جنبش دانشجویی مخالفت با جنگ ویتنام و نژادپرستی در اوج خود بود. در این دوران، دانشجویان خواستار آن بودند که درس‌ها با مسائل روز مرتبط باشند. یکی از راه‌هایی که فلسفه می‌توانست با مسائل روز مرتبط باشد این بود که درباره‌ی همین مشکلات عمده صحبت کند. و البته فیلسوفانی بودند که به خوبی می‌دانستند کار فلسفه به طور سنتی پرداختن به پرسش‌های اساسی بوده است. ایده‌ی داشتن مفاهیم واضح و روشن به خاطر این است که بتوانیم عملکرد بهتری داشته باشیم.»

استدلال سینگر بسیاری را متقاعد کرده و او تنها هوادار «ایثار مؤثر» نیست. در اوت ۲۰۱۵، نشریه‌ی **پراسپکت** نقدی بر آخرین کتاب ویلیام مک‌اسکیل، با عنوان **بهرتر نیکی کنیم**، که از حامیان «ایثار مؤثر» بوده، منتشر کرد. با این حال، این جنبش از همان آغاز خود با انتقادات شدیدی نیز مواجه بوده است.

ممکن است کسی استدلال کند که دو وضعیتی که سینگر آن‌ها را با هم مقایسه می‌کند - کودک در حال غرق شدن و وضعیت ناشی از فقر در جهان سوم - در واقع شباهتی با هم ندارند. ممکن است وضعیت اول حاوی نکته‌ای درباره‌ی وضعیت دوم نباشد که به لحاظ اخلاقی با اهمیت محسوب شود. برای مثال، در وضعیت «شلوار گلی»، تنها ما می‌توانیم آن کودک را نجات بدهیم. اما در رابطه با مسئله‌ی فقر در سطح جهان، میلیون‌ها نفر می‌توانند اقدام کرده و کار خیر انجام دهند. در نتیجه، این امر از میزان مسئولیت ما می‌کاهد.

زمانی که این استدلال را با سینگر در میان گذاشتم، او قانع نشد. «این به ایده‌ی "سهم منصفانه" مربوط می‌شود. به مثال کودک و برکه برگردیم ... فرض کنیم ۱۰ کودک داخل برکه افتاده‌اند و به جز شما ۹ نفر دیگر نیز در همان موقعیت قرار دارند. شما به خود می‌گویید: "بسیار خب، من یکی از کودکان را می‌گیرم و دیگران هم همین کار را خواهند کرد و در نتیجه همه‌ی کودکان نجات پیدا خواهند کرد." شما یکی از کودکان را می‌گیرید اما می‌بینید که ۵ نفر توجهی به کودکان نداشته‌اند و در نتیجه هنوز ۵ کودک در برکه باقی مانده‌اند. آیا شما خواهید گفت: "من سهم

منصفانه‌ی خود را ادا کرده‌ام، پس اکنون وقت آن است که بروم خانه، خودم را خشک کنم و استراحت کنم - کسی نمی‌تواند مرا سرزنش کند؟" مشخص است که جواب منفی است. فکر نمی‌کنم اگر بدانیم دیگران سهم منصفانه‌ی خود را ادا نمی‌کنند، بتوانیم مسئولیت خود را به ادای سهم منصفانه‌ی خود محدود کنیم.»

از سینگر پرسیدم کدام‌یک از نقدها بر «ایثار مؤثر» او را بیش از همه به زحمت انداخته است. «احتمالاً پرسشی که بیشتر تجربی بود تا فلسفی، مرا بیشتر به زحمت انداخته است. با همکارم آنگوس دیتون، که امسال برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد شد، بحث‌های جالبی درباره‌ی مؤثر بودن یاری‌رسانی داشتم. او مخالف این نبود که برخی از اشکال یاری‌رسانی باعث نجات انسان‌ها شده است. اما، بگذارید این طور بگویم، او درباره‌ی تأثیر بلندمدت بسیاری از یاری‌رسانی‌ها مشکوک بود. بنابراین، انتخاب بنگاه‌های نیکوکاری درست بسیار مهم است.»

از سینگر خواستم بنگاه‌هایی را نام ببرد که به نظر او بیشترین شایستگی را برای دریافت پول دارند. «یکی از بنگاه‌های محبوب من "بنیاد مبارزه با مالاریا" است که در توزیع پشه‌بندهای آغشته به حشره‌کش بادوام در مناطقی که ابتلا به مالاریا زیاد است، موفق عمل کرده است ... همچنین می‌توانم بنگاهی را توصیه کنم که کمی خلاقانه‌تر عمل می‌کند و ممکن است مردم خیلی به آن اطمینان نکنند: بنگاهی نیکوکاری موسوم به **گیو دایرکتلی**. به ازای هر ۱۰۰ دلاری که شما به آن‌ها می‌دهید، آن‌ها ۹۰ دلار آن را به عنوان بخشی از یک بسته‌ی مالی بزرگ‌تر به خانواده‌ای بسیار فقیر در شرق آفریقا خواهند داد. در واقع، آن‌ها به کار انتقال پول مشغول اند.»

از سینگر درباره‌ی ایراد دیگری که به «ایثار مؤثر» وارد شده می‌پرسم: گاهی آن را متهم می‌کنند که باعث بی‌اعتبار شدن جنبه‌ی درخشان بخشندگی می‌شود. بخشش امر باارزشی است چون برآمده از عواطف انسانی است. آیا با پیروی از «ایثار مؤثر»، که بخشندگی را به محاسبه‌ای عقلانی تقلیل می‌دهد، از انسانیت ما کاسته نمی‌شود؟

سینگر توضیح داد که «طبیعت انسان در شرایطی بسیار متفاوت با وضعیت کنونی جهان تکامل یافته است: شرایطی که در آن فرصتی برای کمک به غریبه‌هایی در دوردست‌ها وجود نداشت. اما فکر نمی‌کنم این به آن معنا باشد که امروز هم نباید به این افراد کمک کنیم. کار درست این است که هر زمان که فرصت آن را داشتیم، به این افراد کمک کنیم.»

برگردان: هامون نیشابوری

*گفت‌وگوی الکس دین با پیتر سینگر در نشریه‌ی **پواسپکت** منتشر شده است:

Alex Dean, 'Interview: Peter Singer—philosophy should not be morally neutral,' *Prospect*, 5 July 2016.